



دو فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات کردی دانشگاه

آزاد اسلامی واحد سنندج

دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴

اسم ویژه انسان در زبان کردی و چند زبان دیگر^۱

فاروق عمر صدیق^۲

استاد گروه زبانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سلیمانیه، سلیمانیه، عراق.

DOI:

بهرواری وه رگرتن: ۲۰۲۵/۵/۱۸

بهرواری قبول: ۲۰۲۵/۸/۲۷

صفحات: ۶۷-۸۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۲۰

چکیده

نامگذاری در میان انسانها، چه نام اشیاء و چه نام بچه‌ها یکی از پیچیده‌ترین مسائلی است که در تاریخ سرنوشت جالب توجه و شگفت انگیزی دارد. با نظری به این مسأله در میان فرهنگ و ادبیات ملل، می‌بینیم که در نامگذاری، مسائل گوناگونی می‌تواند دخالت داشته باشند که فی المثل چرا اولین انسان را در معارف دینی، «آدم» می‌نامند؟ در میان کردها نامگذاری نیز از نظر ریشه‌شناسی، همان سرنوشت را دارد. گاه فرهنگی که بر فرهنگ کردی غالب می‌شود می‌تواند در این نامگذاری تأثیر بگذارد و گاه در میان خود کردها عواملی بر نامگذاریها تأثیر می‌نهد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است، نتایج حاکی از این است که تاریخ نام انسان در میان کردها سه مرحله قبل از اسلام، پس از اسلام تا جنگ اول جهانی و سرانجام از جنگ اول تا حال حاضر را داشته است. به علاوه در زبان کردی و برخی زبانهای دیگر، نامهایی که برای مذکر به کار می‌روند، معنای دلاوری و قدرت و پهلوانی و شجاعت دارند، اما نامهایی که برای مؤنث به کار می‌روند در معنای: زیبایی، پاکی، لطافت و نازکی را دارند.

کلید واژه‌ها: نام، انسان، فرهنگ کردی

^۱ . این مقاله با هماهنگی نویسنده در زمان حیات مرحوم دکتر فاروق عمر صدیق، برای چاپ و انتشار، توسط آقای جمال احمدی به زبان فارسی برگردانده شده است.

ناوی تاییهت بۆ مرۆف له کوردی و چهند زمانیکی تردا

فاروق عومەر صدیق

پروفیسۆر، بەشی زمانەوانی، فاکەلتی زانستە مرۆییەکان، زانکۆی سلیمانی، سلیمانی، عێراق.

ناوانانی مرۆف، چ ناوی شتەکان بێ و چ ناوی مندالان، یەکیکە لەو بابەتە ئالۆزانەی کە چارەنووسیکی سەرەنجراکێش و سەرسوڕەپێنەری ھەبە لە مێژوودا. بە تێڕوانین بۆ ئەم مەسەلەیە لە نێو فەرھەنگ و ئەدەبی گەلانی دەبینین کە دەکرێ بابەتی جۆراوجۆر لە ناو ھیناندا ببن، بۆ نموونە بۆچی یەکەم مرۆف بە ناوی "ئادەم" لە نایینیدا ھاتوو؟ لە نێو کورددا ناوانیش لە ڕووی ئیتمۆلۆژییەوە ھەمان چارەنووسی ھەیە. ھەندیک جار ئەو کۆلتوورە یەکە زالە بەسەر کۆلتووری کوردیدا، دەتوانیت کاریگەری لەسەر ئەم ناوانییە ھەبێت، ھەندیکجاریش فاکتەرەکانی ناو کورد خۆیان کاریگەرییان لەسەر ناوانی کورد دەبێت. ئەم توێژینەوێیە بە شیوازیکی وەسفکاری-شیکاری بە بەکارھێنانی سەرچاوەکانی کتیبخانە ئەنجامدراوە. دەرەنجامەکان ئاماژە بەوە دەکەن کە مێژووی ناوی مرۆف لە نێو کورددا سێ قۆناغی ھەبوو: پێش ئیسلام، دوا ئیسلام تا جەنگی جیھانی یەکەم و دوا جار لە جەنگی جیھانی یەکەمەوە تا ئێستا. جگە لەوێش لە زمانی کوردی و ھەندیک زمانی تردا ئەو ناوانە بۆ نێر بەکار دێت بە مانای نازایەتی و ھێز و قارەمانیتی و بۆ یری دیت، بەلام ئەو ناوانە بۆ مێنە بەکارھێنراون بە مانای جوانی و پاکی و ناسکی و تەنکی دیت.

وشەسەرەکیەکان: نێو، مرۆف، کۆلتووری کوردی

1. مقدمه

۱-۱. بیان مسأله

در زبانشناسی اسم و ویژه انسان علم رفتارشناسی (anthroponomy) گفته می‌شود. اصطلاح انتروپونیم در اصل از دو واژه یونانی: انتر و به معنی انسان و پو یوما به معنی اسم ساخته شده است. اسم و ویژه انسان می‌تواند شامل نام پدر، نام خانوادگی، لقب، تخلص، تصغیر و تحبیب باشد. این نامها را انتروپویمیک می‌گویند که خود یکی از شاخه‌های اصلی نام شناسی (onomastics) است. دانش انوماتیک، علاوه بر نام و ویژه انسان، شامل: اپونیمیک (اسم جغرافیایی)، اتینونومیک (اسم طایفه و مردم)، کولمانومیک (اسم افلاک و بخش‌هایش) و زونومیک (علم اسم حیوانات) نیز هست.

اهمیت نام همچون بخشی از بحثهای اصلی مکالمه، چه از لحاظ مورفولوژی (ریخت شناسی) و چه از لحاظ معناشناسی این است که نیازمند به چند بررسی و واکاوی دقیق علمی دارد. این بررسی تاکنون در زبان کردی صورت نگرفته است.

اسم در بخشهای گوناگون کلام، چند نوع است، اما اسم انسان اهمیت ویژه خود را دارد. در نامهای انسان، ویژگی‌هایی دینامیکی وجود دارد که در نامهای دیگر وجود ندارد. ویژگی‌هایی که در نام انسان دیده می‌شود، به ویژگی‌های خود انسان بازمی‌گردد. نام نهادن آدمیان در همان آغاز جوامع ابتدایی، یکی از نیازمندیهای بشری بوده است. گرچه به زمانی بازمی‌گردد که انسان توان سخن گفتن و تکلم پیدا کرده است، اما در آن روزگار مفهوم نام اکنون انسان را نداشته، بلکه دارای تفاوت اندکی با لقب بوده است. این مسأله شاید به آن دلیل بوده که انسان واژه کمتری در اختیار داشته است. در گذشته مثل امروز وقتی بچه‌ای متولد می‌شد، نامگذاری نمی‌شد، بلکه به جای نام، نوعی لقب به او می‌دادند (ا.گ، گفورف، ۱۹۷۱: ۴).

این نوع نام نهادن‌ها، امروزه نیز گاهی دیده می‌شود. برای مثال: یک بار هواپیمای مسافری «L18» از شهری به شهر دیگر در پرواز بود. خانمی باردار در هواپیما درد زایمان داشته، آن خانم به کمک خدمه هواپیما وضع حمل می‌کند و دختری به دنیا می‌آورد، بلافاصله نوزاد را در هواپیما نامگذاری می‌کنند و او را «اِلا» (Ela) نام می‌نهند (همان: ۴). «a» در زبان روسی نشانه مؤنث است.

هر روز در جهان، هزاران کودک متولد می‌شوند و همه آنها نیازمند نام هستند. طبیعی است که هر یک از این نوزادان در جامعه‌ای جدا از دیگری که دارای تاریخ و افکار و اندیشه و آداب خاص خود هستند به دنیا می‌آیند و رشد می‌کنند. گاهی هم به واسطه نزدیکی جوامع به همدیگر، افکار و عادات و سلاقی آنها به هم نزدیک می‌شود و مانند هم می‌اندیشند. افکار و اندیشه‌های آنان اگر کاملاً مثل هم نباشند، خیلی نزدیک به هم‌اند و در نامگذاری نوزادان آن جوامع خود را نشان می‌دهد. به همین دلیل است که دانش اتروپوینمیک، منبعی ارزشمند برای دانشهای دیگر به شمار می‌آید. آگاهی از نامگذاری‌های انسان در تاریخ، به آشکار کردن و بررسی زندگی گذشته انسان کمک فراوانی می‌کند.

کسانی هستند که تاکنون غیر از برخی نامها، در اسناد رسمی و کتیبه‌هایشان چیزی دیده نمی‌شود و اطلاعاتی پیدا نمی‌کنیم (ف، ۱. نیکونوف، ۱۹۷۴: ۶). [اما از طریق این نامها می‌توانیم برخی از زوایای پنهان زندگی آنها را بفهمیم.]

همچنین انثروپونیمک (رفتارشناسی) و یا به صورت کلی نام‌شناسی رابطه تنگاتنگی با اتنوگرافی (Athnography) و (قوم‌شناسی) و نوعی قانون و نظام و روانشناسی و زیبایی‌شناسی دارد. انسان‌شناسی، بدون این دانش، ارزش چندانی ندارد. همان‌گونه که نام‌شناسی مکان، بدون جغرافیا ارزشی ندارد، نام‌شناسی نیز بدون تاریخ بی‌ارزش است. بررسی تطبیقی زبان کردی با چند زبان دیگر از روی نام انسان، سبب می‌شود که بسیاری از زوایای مبهم و تاریک تاریخ و فکر و عادات مردمان جامعه کردی و دیگر ملل روشن شود که خود یکی از اهداف پژوهش حاضر است.

۱-۲. پیشینه

پژوهش‌هایی که درباره نامهای کردی صورت گرفته جز ردیف کردن آنها نبوده و کاری علمی بر مبنای زبان‌شناسی بر نامها شده است. بشرمشیر در صفحات ۳۲، ۳۲ و ۳۴ موخره کتاب «سی پاره حق پرستی» که در بغداد به سال ۱۹۳۱ چاپ شده، در دو لیست، اسامی پسر و دختر را نوشته، ولی هیچ بررسی علمی نشده است. گیوموکرانی نیز کتاب کوچکی با نام «نامهای دختر و پسر کردی» نوشته که در سال ۱۹۸۵ در اربیل برای بار سوم چاپ و منتشر شده است. کتاب گیو نیز بدون هر نوع بررسی است. هوشیار محمد نیز کتاب کوچکی به نام «نامهای کردی نو در سلیمانی» به سال ۱۹۶۸ چاپ کرده که در سال ۱۹۷۵ نیز برای بار دوم چاپ و منتشر شده است. در این کتاب تنها کاری که انجام شده نوشتن اسامی کردی بدون هر نوع بررسی است. علاوه بر موارد مذکور محمود زامدار در سه مقاله به صورت کلی درباره نام و تخلص در زبان کردی بحث کرده و مطالب مفید و ارزنده‌ای را منتشر کرده است.^۱ (زامدار، ۱۹۷۵)

جمال رشید نیز با توجه به دو سند کهن که در ناحیه اورامان کشف شده، اسامی دو سند را استخراج کرده و معتقد است که این نامها، نامهای باستانی کردی است.^۲ (رشید، ۱۹۸۵) به زبان عربی نیز

^۱ م.ک: زامدار محمود، ۱۹۷۵، گوزاری دوزی کوردستان، شماره ۳۲ و ۳۳ و شماره گوزاری روشنبیری نوٹ در سال ۱۹۸۳.

^۲ ن.ک: جمال رشید، ۱۹۸۵، گوزاری روشنبیری نوٹ، شماره‌های ۱۰۵-۱۰۶.

در کتابی که درباره نامهای آدمی نوشته شده به چند نام کردی نیز اشاره شده و تأثیر فرهنگ و ادب مردم را بر نامها بررسیده است.^۱ (کاظم مراد، ۱۹۸۵) عزالدین مصطفی رسول هم مراحل تاریخی نامهای انسان را به اختصار بررسی کرده و برخی از زوایای مبهم آن را آشکار کرده و به ریشه زبانی آن اسمها نیز اشاره کرده است.^۲ (مصطفی رسول، ۱۹۸۹)، اما شیوه بررسی و ابزار واکاوی این پژوهش با کارهایی که در این باره دیگران انجام داده‌اند، تفاوت دارد.

اسامی انسان بر مبنای واژه شناسی، معناشناسی و واج شناسی بررسی اسباب و عوامل نامگذاری را شامل می‌شوند. از این روی برای اولین بار این بررسی در زبان کردی شکل آکادمی و زبانشناسی به خود گرفته است. این پژوهش شامل مواردی چون: مختصری از تاریخ نام انسان در زبان کردی، وظیفه و معنای نام انسان، عواملی که در نامگذاری نام انسان می‌توانند نقش داشته باشند و سرانجام نتیجه گیری است.

۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۲-۱. تاریخ نامگذاری انسان در زبان کردی

می‌توان نامگذاری انسان را از لحاظ تاریخی به شکل ذیل تقسیم کرد:

۱- پیش از اسلام ۲- از آغاز دین اسلام و پس از آن ۳- پس از جنگ جهانی اول تا امروز.
در مرحله اول یعنی پیش از اسلام، کردها نیز همچون سایر ملتها و مردمان دیگر فرزندان خود را نامگذاری می‌کردند. می‌توان گفت نامگذاری یکی از ملزومات زندگی ساده مردم کهن بوده است. چرا که به وسیله نامگذاری، اعضای جامعه از یکدیگر جدا می‌شوند.

چون در زبان کردی، منابع مکتوب که به پیش از اسلام برگردد نداریم، نمی‌توانیم نامهای کردی را قبل از اسلام نام ببریم. چرا که معین کردن نام انسان به ویژه ملتی که فاقد آثار مکتوب به جای مانده از آن دوران باشد و دارای تاریخی کهن باشد، نیاز به چندین پژوهش دقیق و ژرف نیاز دارد. البته زمانی می‌توان این پژوهش‌ها را نیز انجام داد که چندین نوشته قطعی و یقینی داشته باشیم که به وسیله پژوهشگرانی متخصص تصحیح شده باشد که در حال حاضر چنین پژوهشهایی موجود

^۱ ن. ک: عباس کاظم مراد، اسماء الناس، الجزء الاولف بغداد، ۱۹۸۵، ص ۱۴۶-۱۸۱.

^۲ ن. ک: عزالدین مصطفی رسول، روزنامه همکاری، شماره ۱۰۶۱، سال ۱۹۸۹.

نیست. نام افراد در پیش از اسلام بسیار مبهم و تاریک و غیرقابل اعتماد است. اما اگر نتوانیم اسامی نامهای کردی پیش از اسلام را به صورت یقینی معین کنیم، می‌توان از روی ظن و گمان، و از طریق پناه بردن به اسبابی که در نامگذاری کردها و سایر ملل تأثیرگذار بوده برخی از پژوهشها را در این رابطه آشکار کنیم.

ابهاماتی که درباره نام اشخاص در زبان کردی پیش از اسلام وجود دارد، در سایر زبانهای دیگر آن روزگار نیز دیده می‌شود.

گفوروف درباره نام انسان در زبان تاجیکی پیش از اسلام می‌گوید: ریشه شناسی نامهای تاجیکی، از روی سیاست و فرهنگ و تاریخ و جامعه شناسی پیدا شده است. نوشته‌هایی که به پیش از اسلام برمی‌گردد، به هر تعداد، نمی‌تواند چندان اطلاعات مناسبی درباره نام انسانها به ما بدهد. معمولاً مردان مهم علاوه بر اینکه نامی داشتند، ملقب به القابی نیز بودند. این لقبها انواعی داشته است. جالب اینجاست که در بعضی از نواحی کوهستانی تاجیکستان، مدتی است که نهان کردن نام بچه‌ها تا سن بلوغ و ملقب کردن آنها از میان رفته است.

سپس به دوران اسلام می‌رسد و درباره نام انسان در این دوران می‌گوید: زمانی که دین اسلام آمد، مردم آن را پذیرفتند و از واژه‌های عربی برای نام نهادن بر فرزندان خود استفاده کردند. این اسمهای عربی، عبارت بود از اسمهای عربی کهن پیش از اسلام، مانند: قتیبه، اسد، سهل، ابراهیم، یعقوب، الیاس، محمد، احمد، محمود، غالباً این نامها را با استفاده از واژه (ابن، بن) به کارگیری نام پدر به کار می‌بردند. مانند: احمد بن اسد. سپس گفوروف می‌گوید: پس از اینکه دوران فتودالیه آغاز شد، نام انسانها شکل سنگین تری به خود گرفت: غالباً بزرگ مردان طبقات بالا علاوه بر نام خود، از لقب و کنیه نیز بهره می‌گرفتند. ملقب شدن و کنیه پیدا کردن مطابق با فرمان و آداب خاصی صورت می‌گرفت که از طرف حکومت مداران و حاکمان انجام می‌شد. غالباً کنیه پس از نام می‌آمد و بسیاری از اوقات نیز نام اشخاص به کار می‌رفت.

بزرگان علاوه بر کنیه از لقب نیز استفاده می‌کردند. در آغاز، القاب نام و نشانی رسمی داشت و شکل ساختنشان جدا بود. اما در آسیای میانه، لقبهایی بیشتر کارایی داشت که با واژه دین تمام می‌شد. مانند: نورالدین، صلاح الدین، فخرالدین و ...

تا هنگامی که نام و نشان، مانند نشانهٔ وظیفه، مرز کاربردش فراوان نبود، لقب پیش از هر اسمی بود. برای مثال: نام کامل جامی، مولانا نورالدین عبدالرحمن ابن احمد جامی بود. واژهٔ مولانا، نشانه‌ای بود برای عالمان اسلامی و واژهٔ جامی محل تولّد او را نشان می‌داد. در گذر زمان آرام آرام واژهٔ مولانا به ملا بدل شد. واژه (ملا) برای عالمان دینی به کار می‌رفت. به علاوه واژه یا لقب ملا خود عامل جدا کردن باسواد و بی سواد شد (ا. گ گفوروف، ۲۷۸-۲۸۲). این مباحث به اختصار دیدگاه گفوروف دربارهٔ نام انسان در زبان تاجیکی تا آغاز این سده بود.

دقت در دیدگاه‌های گفوروف دربارهٔ نام انسان در زبان تاجیکی پیش از اسلام و پس از انتشار اسلام تا امروز که خود نیز ملتی شرقی و مسلمان هستند، به ما القا می‌کند که به صورت حکمی، ما نیز به همان صورت نام انسانها را در زبان کردی پیش از اسلام تا آغاز این سده بنگریم. چرا که مردمانی که در جغرافیای نزدیک به هم زندگی می‌کنند، بر همدیگر تأثیر می‌نهند. با وجود این، نزدیکی جغرافیایی نباید ما را وادارد که استقلال زبانی و تغییرات تاریخی آن را نادیده بگیریم. گرچه زبانها می‌توانند به هم نزدیک باشند، اما استقلال خود را هیچ گاه از دست نخواهند داد. در واقع نبود و یا کمبود منابع مورد اعتماد زبان کردی در پیش از اسلام تا چند سده پیش، مهمترین عامل ابهام و تاریکی نام انسان در آن دوران است.

البته تعدادی نام مربوط به آن دوران، به ویژه نام زنانه به ما رسیده است و ما فکر می‌کنیم مربوط به پیش از اسلام باشد، مانند: گوله‌مه‌ینچ، وه‌نوش، ئاسکه، به‌هی، پیرۆت، شیرکۆ، بایز، سپرته‌و، شیرین، خونجه، خورشید.

عزالدين مصطفی رسول دربارهٔ نام انسان در دورهٔ دوم (دوران دین مبین اسلام و انتشار آن در میان کردها) می‌گوید: اعتقاد کردها به اسلام، نامهای فراوانی را وارد زبان آنها کرد که از عربی وارد شده بودند. برخی از این نامها، نامهایی بود که صحابه در فتوحاتی که داشتند آوردند. البته نامهای عربی پیش اسلام در میان کردها اندکند. نامهایی بیشتر در میان کردها رواج پیدا کرد که مربوط به پس از اسلام بود. پیامبر خود فرموده است: خیر الاسماء ما عبد و حمد. بهترین نامها، نامهایی است که معنی بندگی خدا می‌دهند و حمد و سپاس خدای را با خود دارند. سپس می‌گوید: اگر اسماء الله الحسنی نام باشند، در میان کردها کاربرد اندکی داشته است. نامهایی چون: عبدال موجود، عبدالمنصور، عبدالمهمین.

در اینجا نیز معنا و وظیفه نام آدمیان اسباب جداگانه‌ای هستند که نقش مهمی در نامگذاری آدمیان دارند و موضوع مهمی در زبانشناسی به شمار می‌آیند. موضوعی که تاکنون در زبان کردی و مطابقت آن با دیگر زبانها انجام نشده است. و چون این نوع پژوهش در زبان کردی انجام نشده لازم دانستم در مطابقت با دیگر زبانها به ویژه زبانهای شرقی، انجام شود. مشابهاً و تفاوتهایی که در نامگذاری این زبانها وجود دارد از نظر زبانشناسی کاری بس مهم و ارزشمند است. از طرف دیگر کردها خود برخی از این نامها را دستکاری کرده و شکلی دیگرگون پیدا کرده است. برای مثال بسیاری از این نامها بدون پیشوند «عبد» نام شده‌اند. مانند: قادر، مجید، حمید، عزیز و ... همچنین گاهی کلمه عبد همراه «ال» تعریف نام، خود نامی جدا ساخته و به شکل «عبدل» به کار رفته است. (عزالدين مصطفی رسول، ۱۹۸۹: ۱۰۶۱).

بسیاری از نامهای عربی وارد بسیاری از زبان‌های دنیا به ویژه زبانهای شرقی شده است. کوسیموفا، درباره آن نامهای عربی که وارد زبان باشکیر - یکی از زبانهای شرقی - شده می‌گوید: اسامی کهن مردمان باشکیر همچون همه مردمان دیگر مشرق، با آمدن دین اسلام، به عربی در دو مرحله تغییر پیدا کرد. در مرحله اول نامهایی به کار برده شدند که معنایی کاملاً دینی داشتند. مانند نام پیامبر (ص) و پیشوایان دینی دیگر. سپس نامهایی که از جشنها برگرفته شده بودند. این گونه نامها در میان همه ملت‌های شرق وجود دارد. در مرحله دوم نامهایی به کار رفتند که صبغه دینی نداشتند، بلکه معنی بیشتر حماسی و علمی داشت (ت. خ کوسیموفا، ۲۴۱-۲۴۸).

وقتی معنی اسامی عربی اصیل را در زبان کردی می‌نگریم، می‌بینیم که آنان نیز دو گونه‌اند: اول: نامهایی که مستقیماً از باور به دین اسلام اخذ شده‌اند. دوم، نامهایی که معنای دینی ندارند. آنچه که روشن است این است که واژه‌هایی که به عنوان نام اشخاص به کار برده می‌شوند یا در اصل و ریشه به همان زبان بازمی‌گردد و یا از زبانهای دیگر وارد شده‌اند. به دلیل برخی نیازها و اسباب تاریخی و دینی، هر زبانی واژه‌هایی را از زبانهای دیگر گرفته است و به عنوان نام اشخاص به کار رفته است.

زبانهایی وجود دارد که همه نامهای خود را از زبانی دیگر به وام گرفته است. برای مثال در زبان فرانسه، هیچ نامی نیست که در اصل فرانسوی بوده باشد، بلکه آن را کاتولیکها از روم وارد کرده‌اند.

در زبان روسی نیز هیچ نامی وجود ندارد که در اصل روسی باشد، زیرا کلیسا نامگذاری اشخاص را از زبان روسی کهن ممنوع کرده بود به همین دلیل نامها را غالباً از بیزانس می گرفتند. در مرحله سوم که پس از جنگ اول جهانی آغاز می شود، تا امروز، تغییرات جدیدی در نامگذاری اشخاص در زبان کردی و چندین زبان دیگر روی داده است. علت این تغییرات، حوادثی بود که در نتیجه جنگ جهانی اول در دنیا به وجود آمد. در این مرحله، در کنار به کار گرفتن نامهای عربی، تلاشی وسیع برای زنده کردن نامهای قدیمی و کهن کردی آغاز شد.

۲-۲. کارکرد و معنای نام ویژه انسان

پیش از اینکه به کارکرد و معنای نام ویژه انسان پرداخته شود، به اختصار لازم است به برخی از تفاوتها و روابط میان نام اشخاص و نام کلی پردازیم. منظور از نام کلی، نامهایی است که در مجموع به عنوان نام جانداران و بی جانان به کار می رود. مانند: انسان، رودبار، شیر، درخت، سیب و ...

لازم است بدانیم اگر همه موجودات جاندار و بی جان، صاحب نام کلی باشند، دلیل بر داشتن نام ویژه برای آنها نیست، اما برعکس اگر جاننداری و یا بی جانی نام ویژه خود را داشت، لازم است دارای نام کلی نیز باشد. از این رونام ویژه، دومین نامی است که هر موجودی دارد. بنابراین نامهای کلی نسبت به هر موجودی در مرحله اول قرار دارد و نام ویژه نیز در مرحله دوم قرار دارد. مرحله دوم نام، بسیاری از زبانشناسان را وا داشته که این نامها را وارد فرهنگ زبان نکنند (سو پراسکایا، ۱۹۶۹: ۹).

نام ویژه انسان در محدوده یک زبان نمی ماند بلکه عکس نام کلی، خیلی زود وارد زبانهای دیگر می شود. اما تغییر نام ویژه به کلی در زبان پیش می آید. برای مثال نامهای: ولت، وات، گاز، گُخ، پلهایز؛ ویژه بودند در حالی که امروزه در بسیاری از زبانهای دنیا همچون اصطلاحی علمی و نامی کلی کاربرد دارد.

مردم زمانی نام ویژه را متوجه می شوند که با شخص و شیء و چیزهایی که در به وجود آمدن آن نام دخالت داشته اند، پیوند داشته باشند، اما برای فهم نام کلی، چنین نیازی وجود ندارد.

نام و ویژه، مجموعه واژه‌هایی است که وظیفه ویژه دارد و خیلی بیشتر از نام کلی به اسباب بیرونی زبان وابسته است. از این رو تنها تحت تأثیر ویژگی‌های زبان نیست، بلکه قوانین و مسائل مردم شناسی و تاریخی در آن نقش اساسی دارد.

تفاوت دیگری که در میان نامهای کلی و نامهای ویژه اشخاص، وجود دارد این است که واجهای نامهای کلی به همدیگر چسبیده‌تراند و واج نامهای اشخاص و ویژه کمتر چسبیده هستند. به خاطر چسبیدگی بیش از حد واجهای نامهای کلی، تغییر دادن آنها، کار آسانی نیست. و اگر آن را تغییر دادیم، بر اساس قواعد خاصی و در محدوده ویژه‌ای امکان پذیر است. واجهای نامهای کلی اگر چنان که هست کمتر چسبیده بودند، به سختی رابطه نام کلی با مفهومشان اتفاق می‌افتاد. برعکس نام خصوصی رابطه تنگاتنگی با مفهوم ندارد از این رو ممکن است که از لحاظ فونتیک و واج شناسی و واژه شناسی دچار تغییراتی بشوند (همان).

کارکرد نام خصوصی انسان به صورت کلی در این چند نکته تعریف می‌شوند:

۱. جدا کردن شخصی از دیگری در جامعه از مهمترین کارکردهای نام خصوصی است. بدون این کارکرد انترپوینمیک هیچ معنایی ندارد.
۲. اشاره به مکان و جایگاه هرکسی در جامعه. این کارکرد وابسته به باور به قدرت اندیشه و دل آدمی دارد.

۴. پیوند با برخی چیزها، چون: عادات و آداب و رسوم و باور شخصی افراد دارد (بیتوژیف، ۲۴). نامهای کلی که بعدها به نام خصوصی - بجز نامهایی که معنی آیینی دارند - تغییر پیدا کرد تا مدتی در میان افراد و اقوام و آشنایان و خانواده‌ها، حافظ معنای اصلی است، اما آرام آرام چنان از معنای اصلی واژه دور می‌شود که می‌توان گفت هیچ پیوندی با واژه اصلی ندارد و حتی اگر در آغاز، معنای اصلی مراد بوده، پس از آنکه نام شخص شد، معنای اولی خود را از دست می‌دهد. برای مثال وقتی بچه‌ای نامگذاری می‌شود، پیداست که در آغاز مجموعه عواملی در انتخاب نام دخالت می‌کند، اما پس از مدتی، چنان می‌شود که اسباب و عوامل نامگذاری نیز - به ویژه در میان کسانی که هیچ آگاهی از عوامل نامگذاری اولیه ندارند - مورد توجه نیست.

۲-۳. عواملی که در نامگذاری اشخاص در زبان کردی و برخی زبانهای دیگر نقش دارند

از گذشته‌های دور تا امروز، در بسیاری از زبانهای دنیا، نامگذاری انسان و انتخاب اسمی از اسامی پسندیدن عده‌ای و نپسندیدن عده‌ای دیگر، مجموعه عواملی داشته و دارد. این عوامل نیز، در نتیجهٔ باور رایج در جامعه و تغییرات تاریخ و اقتصاد و سیاست پدید می‌آید.

تشابهات میان جوامع از نظر قوانین، اقتصاد، سیاست، فکر و اندیشه، انتشار باور و عقیدهٔ خاصی و یا آیین و ویژه‌ای در زمان معینی، نزدیکی جغرافیایی محل سکونت ملتی با ملتهای دیگر، همه و همه می‌توانند عوامل مشترکی در نامگذاری اشخاص آن ملتها باشند. گرچه زبان هر ملتی نسبت به دیگری تفاوت‌هایی دارد، اما عواملی مشترک می‌تواند نامگذاری مشترک را به دنبال داشته باشد. نام انسان نیز در هر زبانی، مانند هر واژهٔ دیگری، قوانین فونتیکی و واج شناسی همان زبان را دارد. زبان کردی نیز، مانند همهٔ زبانهای مشرق، بدون تردید، عواملی غیر زبانی در نامگذاری اشخاص نسبت به زبان‌های همسایه، اشتراکات و مشابهات فراوانی را پدید آورده است. در نتیجه یا نامها مانند هم هستند و یا بسیار به هم نزدیکند. به همین دلیل بهتر دانسته شد که عوامل غیر زبانی که در نامگذاری کردی نقش داشته‌اند یا دارند به وسیلهٔ تطبیق با دیگر زبان‌های شرق آشکار کنیم. در این بررسی موارد ذیل اهمیت دارد:

۱. از گذشته‌های دور، مردم، از نام بردن مستقیم نیروها و جانورانی که قدرت فراوانی داشتند و غالباً پیروز میدان جنگ بودند و یا از آنها واهمه داشتند، پرهیز می‌کردند و غالباً از واژه‌های دیگری بهره می‌بردند. بدین وسیله چنین باور داشتند که به آنها احترام می‌گذارند و دل آنها را به دست می‌آورند. و یا از کینه و حمله و آزار رساندن آنها به مردم رهایی می‌یابند. یعنی اگر نام واقعی آنها را بر زبان جاری کنند، برایشان بدشگونی به بار خواهد آورد.^۱

از طرف دیگر، نامگذاری انسان و برخی از جانداران و بی جانان، با نامهایی که دارای معنایی شگفت آور و به دور از معانی نامهای دیگر بود در بسیاری از زبانها رواج داشته است. به نظر می‌رسد دلیل این نامگذاری‌ها محافظت از نیروهای اهریمی و جانداران درنده و زیان بخش بوده است. نامهای این چنینی، در نتیجهٔ باور به سحر واژه با واژه‌ای و یا ترکیبی استفاده شده است. باور به قدرت و جادوی کلمات تاریخی کهن دارد و در بسیاری جوامع تا امروز به کار می‌رود و

^۱. در زبانشناسی، اصطلاح تابو (TABOO) برای کلماتی به کار می‌رود که به خاطر ترس، از کاربردشان نهی شده باشد. اما دیگر به خاطر قداست و بزرگی بود از اصطلاح توتِم (TOTEM) استفاده می‌شود.

بر زبان تأثیر خود را می‌نهد. برای مثال در سده‌های میانه، در مجارستان نامهایی برای بچه‌های خود انتخاب می‌کردند که تا از طریق نامها از دست نیروهای اهریمنی و پلید رهایی یابند. مانند: نام کوچک مرده، پلیدی، چرک و مرده (استفان اولمان، ۱۹۷۵: ۱۷۱). به خاطر اینکه معنی این نامها، چیزهای بی ارزش و پست و بی فایده را می‌رساند، به باور آنها، چون کسی خواهان اشیاء بی ارزش نیست نیروهای اهریمنی آنها را رها می‌کنند.

معنی اصلی واژه «ورچ=خرس» در بسیاری از زبانهای اروپایی، نمونه دیگری از باور به جادوی واژه است. نزد آنها، نام اصل «ورچ» در لاتین «UR SUS» بوده که واژه «OURS» فرانسوی از همان کلمه نشأت گرفته و به همان معنی خرس است. اما در برخی از زبانهای دیگر اروپایی، معادل «ورچ» به خاطر آزار ندیدن از او و رهایی خود از اذیت‌های خرس، با واژه‌ای دیگر نامگذاری شده است. در زبان انگلیسی واژه «BEAR» که نام «خرس» است در اصل به معنای قهوه‌ای است. در زبانهای اسلاوی نیز نام «خرس» به معنی عسل خور است.

مار و گرگ و روباه و خوک و بز و بعضی دیگر از حیوانات که آدمیان از نام بردنشان به صورت مستقیم پرهیز کرده‌اند، یا با نوعی واژه نامگذاری شده‌اند که پیدا است به خاطر ترس از آنها بوده که از گزندشان در امان باشند. جانور درنده‌ای مانند موش خرما (بزَن مژ) در عربی «ابن عرس» با صیغه جمع «بنات عرس» نامیده می‌شوند. در روستاهای مصر نیز «المخفیه» یا «ام احمد» نامیده می‌شود. در بسیاری از زبانهای دیگر، این جانور، به خاطر درندگی‌اش، با واژه «زیبا و نازک و نازنین» نامگذاری شده است. در فرانسوی، زیبای کوچک، آلمانی، جانوری کوچک زیبا، ایتالیایی و پرتغالی، خاتون کوچک و اسپانیایی، لَقْلَق و سرانجام به دانمارکی، زیبا نامیده می‌شود. در زبان کردی نیز، پرهیز از به کار بردن نام حقیقی برخی از بیماری‌ها دیده می‌شود. برای مثال، بسیاری اوقات بیماری سرطان (شیرپه‌نجه)، «دوا براو» (ریشه کن شده) نامیده می‌شود. بیماری سرخک را نیز «مبارکه» می‌گویند. واژه «مولی‌هاتن» برای بریدن پوست به کار می‌رود. بسیاری از اوقات نیز به جای مردن «کوچی دواپی» (=آخرین سفر) به ویژه در زبان ادبیات به کار می‌رود. باور مردم، به قدرت و توانایی و جادوی واژه برای آشکار ساختن آرزو و هدف، یا برای فریب دادن نیروی بدی و اهریمنی چون دیو و مصون ماندن از آزارشان، در نامگذاری اشخاص نیز تأثیر نهاده است. همان طور که گفتیم، واژه‌ها و اصطلاحات و عباراتی که معنای خفت و پستی می‌دهند، به

قصد وارونه کردن نیروی اهریمنی از مردم، نامگذاری شده‌اند. اسامی ذیل، در بعضی از زبانها وجود دارند:

در خانواده‌هایی که فرزندی برایشان نمی‌ماند، نامهایی چون: ازبکی: تورگان (مانده)، توردی (مانده)، توخته (بمان)، تورسون (بگذار بماند)، آلمه‌س (نمی‌برد) در ترکی: دوردی (مانده)، در سده هفت میلادی نام پادشاهی خوارزمی «اتسز» به معنی «بی‌نام» بوده. باشکیری: تورهون (زندگی کند)، کرغیزی: توکتو (بمان)، روسی: ناپوئون (پیدا شده)، تاجیکی: یؤفت، یؤفته‌ک (پیدا شده)، مونّد (بگذار بماند)، خوشوک (کا)، نچول (گیاه پارسال) خوکیرو (خاک راه)، زؤپتتور (زنبور)، پشه (میشووله)، جۆندۆر (مارومور)، کرغیزی و کازاخی: سؤسیک (بوی بد)، ئیتالناس (سگ هم نمی‌خورد)، در تاجیکی، پهرتوفا^۱ (پرت شده)، در هنگامی که بچه‌ای که به دنیا می‌آمد و نمی‌ماند، در برخی از زبانها نامگذاری پس از مراسمی ویژه انجام می‌شد. واژه‌ای هم که به عنوان نام بر بچه اطلاق می‌شد، بخشی از مراسم به شمار می‌آمد. برای مثال وقتی بچه کازاخوا و ازبکها می‌مرد، به محض تولد بچه دیگر، او را به همسایه می‌سپردند. پس از مدتی به همسایه مراجعه می‌کردند و مبلغی وجه نقدی می‌دادند و فرزندشان را باز پس می‌گرفتند. با این کار می‌خواستند به دیوها بفهمانند که این بچه از آن آنها نیست و خریده‌اند. این بچه‌ها که بدین گونه دست به دست می‌شد، با نامهایی نامگذاری می‌شدند که معنی «خریداری شده» می‌داد، مانند: کازاخی: ساتلسگان و ازبکی: سوتیولدی و سوتیم. باشکیرها نیز فرزندان خود را بدین طریق نامگذاری کرده‌اند. اما وقتی برای بازپس گرفتن فرزند به همسایه مراجعه می‌کردند به جای وجه نقد، حیوانی می‌دادند. سپس بچه را «نایتبال» به معنی «خریداری شده» و یا «اشکینه» به معنی شریک نامگذاری می‌کردند. در میان همین باشکیرها، وقتی فرزندانشان پی در پی می‌مرد، به چهل و یک خانه مراجعه می‌کردند، و از هر خانه‌ای پارچه‌ای می‌خریدند، سپس از این چهل و یک تکه پارچه پیراهنی می‌دوختند و به تن فرزندشان می‌کردند. نام این پیراهن «کریک یامای» بوده است. در این گونه نامگذاری‌ها ممکن است همان مراسم جابجایی را انجام داده باشند. نام

^۱ . به نظر نگارنده، در میانه «پهرتوک» تاجیکی و «په‌رتو» کردی، قرابتی وجود دارد. یعنی ممکن است، واژه «په‌رتو» در اصل به معنی پرت شده بوده باشد.

بچه‌هایی که بدین طریق نامگذاری می‌شدند، معنای «عوض شده، به جای» می‌دهد. مانند: تاجیکی: بدل، الوشی، ایوز به معنای «به جای» است.^۱

بر مبنای عقاید کهن و باستانی، دیوها با برخی چیزها اندوهگین می‌شوند و فرار می‌کنند. به همین دلیل اسامی ذیل بر فرزندان نامگذاری می‌شوند: در زبان ازبکی: ساریسموک (= سیر) را به عنوان نام انتخاب می‌کردند به نظر می‌رسد یکی از چیزهایی که دیوها را فراری می‌دهد، بوی سیر است. وقتی نام بچه‌ای («سیر») باشد، دیوها از او فرار می‌کنند. با این نامگذاری، بچه از مرگ رهایی پیدا می‌کند.

در روسی: گرچاکوف لقب است و به معنی تلخ است.

در تاجیکی: گمژک و تلخک هر دو گیاهانی تلخ مزه هستند. به باور ما واژه «تال» به معنی «تلخ» در زبان کردی به عنوان نام به کار رفته است و بعدها در کنار «حمه» (=محمد) با هم «حمه تال» شده است.

۲. خانواده‌هایی که همیشه دختردار می‌شدند، به خاطر اینکه از شر نیروهای اهریمنی و چشمان پلید و دیوان رهایی یابند و به دیوان بفهمانند که صاحب فرزند ذکور شده‌اند، در ازبکی، آخرین دختر خود را «اُغول» به معنی پسر نام می‌نهادند و در میان تاجیکها، دودهر (برادر) می‌گفتند. در میان ازبکها و تاجیکها از واژه اغول و دودهر، به گونه‌ای به کار می‌بردند که همچون اسم مؤنث می‌شد. یعنی در تاجیکی، دودهرگول، و در ازبکی، اغول بیبی و اغولوی می‌شد. همچنین در میان تاجیکها، فرزند ذکور را نیز «دودهر» می‌گفتند تا تنها فرزند نباشد و برادر دیگر داشته باشد.

خانواده‌هایی که پی در پی دختر دار می‌شدند به گونه ذیل نامگذاری می‌شدند: ازبکی و کرغیزی: گیزلره‌بس به معنی «دختر بس است»، گیزتوقمه به معنی «دختر به دنیا نیاید» و گیز تمام به معنی «دختر تمام شد».

تاجیکی: بَسک به معنی «بس است» و نیز بَسگول و بَسمو در همان معنا.^۲

^۱ . به تصور ما نام «عقوثر و حقوثر» در زبان کردی ممکن است در نتیجه همین جابجایی بچه نامگذاری شده باشد. چرا که بدون تردید واژه‌های اَوَز تاجیکی و عقوثر و حقوثر کردی، در اصل از واژه «عوض» عربی ساخته شده‌اند.

^۲ . به نظر ما، «بهستی و بهسن» در زبان کردی نیز در اساس به همین منظور به کار رفته باشد. در خانواده‌هایی که فرزندانشان بیمار به دنیا می‌آمدند به شکل زیر نامگذاری می‌شدند: تاجیکی: گوشود به معنی آزاد. ازبکی به معنی آزاد شو.

۳. از گذشته‌های دور استفاده از نام حیوانات برای فرزندان رایج بوده است. این نوع نامگذاری، دلایل عدیده‌ای داشته. یکی از آنها، به خاطر قدرت و توان آن حیوانات بود که فرزندان خود را، به شیر و پلنگ و گرگ تشبیه می‌کردند. برای مثال: ازبکی: بوری به معنی «گرگ». تاجیکی: گرگ. کرغیزی، ایتبای (=ایت به معنی سگ و «بای» ققب). باشکیری: کاشکار (گرگ)، تیرتلان به معنی کفتار. ایلان به معنی شیر، یولبایس به معنی پلنگ.

در دورانی نیز که انسان حیوانات را اهلی کرد از نام آنها نیز در نامگذاری فرزندان استفاده کرد. در زبان باشکیری، گَرَبوگه به معنی گاو سیاه و بوراکای به معنی شتر کاربرد داشته است.

۴. نشانه ویژه برخی از اعضای بدن آدمی، سرچشمه دیگری برای نامگذاری بچه است. در بسیاری از زبانها، بچه را با رنگ مو یا پوست نامگذاری می‌کردند. برای مثال: سکینی: سرخک در معنی موقرمز یا پوست. این نام سکینی وارد یونانی شده و به سرفاکوس بدل شده است. در ترکی، آک و آیکای به معنی سفید. ساری، ساریبیک و ساریبای به معنی زرد، قَرَه و قَرَبیک و قَرَبای به معنی سیاه. باشکیری: گَرَسَش به معنی موسیاه. کَرَه گاش به معنی ابرو سیاه. کَرَباش به معنی سرسیاه.

تاجیکی: زرد، زردک و زردون به معنی زد. سرخ، سرخک به معنی قرمز. در بسیاری از نواحی کوهستانی تاجیکستان که موهایشان طلایی است، وقتی بچه‌ای با موهای سیاه متولد می‌شود، اسمش را سیوه به معنی سیاه می‌نهند. اگر همه بچه‌های خانواده ای، موهایشان سیاه باشد و تنها یکی از آنها طلایی باشد، نام سیوه به همان معنا سیاه برایش انتخاب می‌کنند. بلکه موهای او به خاطر نامش سیاه شود. معمولاً واژه «سیوه» برای بچه‌هایی نیز انتخاب می‌شود که در هنگام تولد مصیبتی همچون مرگ مادر یا پدر برایشان اتفاق بیفتد. در جنوب تاجیکستان نیز بچه اسمر و گندمگون را افغان به معنی افغانی نام می‌نهند. زیرا افغانی‌ها همگی گندمگونند. بسیاری از مردم آسیای میانه و تاتارها که بچه‌هایی با موی زرد و یا طلایی به دنیا می‌آورند، او را اروس به معنی روس می‌نامیدند. واژه ترکی نیز که در زبان عربی به عنوان نام کاربرد داشته محتمل است برای بچه‌هایی به کار می‌بردند که سرخ و سفید بودند. در زبان کردی نیز برخی از رنگها به عنوان لقب استفاده می‌شد. مانند: توفیقه سوور به معنی توفیق سرخ و یا حه‌مه‌رَپَش به معنی محمدسیاه و حه‌مه‌بۆر به معنی محمدبور و ...

گاهی بچه‌ای که متولد می‌شود نشانه‌ای چون خال در جایی از بدن او دیده می‌شود. در برخی از زبانها همین خالها به عنوان نام استفاده شده است. در تاجیکی، خۆل به معنی خال، خۆلمورۆد، خۆلمهت به همان معنی. ازبکی، خۆلینک. خال نزد مردمان آسیای میانه نشانهٔ سعادت و خوشبختی است. به همین دلیل واژهٔ خال را در کنار نام اصلی به کار برده‌اند و تصور کرده‌اند که در آینده کامران و کامروا می‌شود. لاغر بودن و نقص در بچه نیز معمولاً در میان برخی از مردم، عامل نامگذاری بوده است.

تاجیکی. خَروب، لوغَر به معنی لاغر. گیردک به معنی چاق و خپل. گاهی واژهٔ گردک نیز به عنوان نام بچهٔ لاغر کاربرد دارد تا در آینده چاق شود. اگر بچهٔ تاجیکها شش انگشت داشته باشد، زیوده به معنی زیاده نام گذاری می‌شود. ازبکها نیز اورتوک به همان معنی زیاد نام گذاری می‌شود. در زبان کردی غالباً به عنوان لقب به کار می‌رفته است.

۵. زمانی که بچه در آن به دنیا می‌آید در بسیاری از زبانها به عنوان نام استفاده شده است. این اسامی به صورت کلی اسم روز و ماه و جشن و مناسبتهایی که با زمان تولد مقارنه پیدا کرده است. ۶. نام فصول سال، برجها و هنگام برداشت محصول نیز به عنوان نام استفاده شده است. در تاجیکی: آدینه به معنی جمعه، بایرم به معنی جشن، ایدی، ایدییک، ایدیگول هر سه به معنی جشن. سبز هور به معنی سبز بهار، آشوب، اوروش به معنی شر، کختو به معنی قحطی، بشورت به معنی بشارت، مژده و سرتوق به معنی برج سرطان، اکرب به معنی برج عقرب، سفرگول به معنی گل ماه صفر.

در نواحی کوهستانی تاجیکستان نیز نام برخی از محصولات را بر بچه‌هایشان می‌نهادند. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: جو، جو رسیده، گندم، نخود، عدس، کتان. محتمل است اسم کتان در کردی نیز از همین گیاه گرفته شده باشد. در زبان باشکیری نیز: کُون هیلو به معنی روز زیبا، آی هیلو به معنی ماه زیبا، آی سیاک، به معنی ماه روشن، در زبان کردی نیز واژهٔ هه‌تاو به معنی خورشید به عنوان اسم زنانه اشاره به هنگام تولد نیز داشته است که آفتابی بوده است. در زبان باشکیری اگر در هنگام کوچ کاروان بچه‌ای به دنیا می‌آمد، «یول آمان» به معنی راه درست می‌نامیدند. و در هنگام مهمانداری بچه را «کوناک بایی» به معنی مهمان ثروتمند نام می‌نهادند.

۷. اگر در هنگام حادثه‌ای نیکو، بچه‌ای به دنیا می‌آمد، کردها از نامهایی چون: خوشی، آشتی، مژده، جنگی و ژاله استفاده می‌کردند. تاریخ در استفاده از نام بسیاری از گیاهان و گلها برای انسان تاریخ بسیار عمیق است. حال ممکن است در هنگام تولد بچه آن میوه‌ها رسیده باشند و یا بچه را به این میوه‌ها تشبیه کرده باشند.

تاجیکی: نور یویی به معنی انار ثروتمند. نورکول به معنی انار همه.
در کردی: گوله‌باخ، گولاله، شه‌بو، مینا، لاولاو، نی‌رگس، چنار، که‌نیر، شه‌مام، به‌هی، گیل‌اس، چرۆ، سنه‌بهر، خونه‌چه و

۸. تشبیه انسان به جانداران و بی جانان از گذشته‌های دور بوده است. در این مورد معمولاً جنس مذکر را با نامهایی نامگذاری می‌کردند که در اساس معنی استواری، قدرت و دلاوری و جنگاوری می‌داده است. این معانی را غالباً انسان از حیوانات پیرامون خودش به وام گرفته است. عکس اسامی مذکر، هر چیز زیبا و نازک و لطیف را از قدیم الایام به عنوان نام مؤنث انتخاب می‌کردند. برای مثال نام حیوان شجاعی چون شیر در بسیاری از زبانهای دنیا اسم انسان بوده است. عربی: اسد، یونانی: لیون، فرانسوی، لیون، انگلیسی: lion، روسی: لیف، آذربایجانی، ارسلان، کازاخی: آریستن، تاجیکی شیر.

از واژه شیر در زبان کردی برای نامهای «شیرۆ» و «شیرکۆ» کاربرد دارد. از واژه‌هایی که در برخی از زبانها از گذشته‌های دور، نام انسان بوده، واژه «برد» به معنی سنگ است. بچه‌ای که نام «به‌رد» به معنی سنگ را بر او می‌نهند، همچون سنگ محکم و باصلابت است و بیمار نمی‌شود. دلیل دیگری که از «به‌رد» برای نامگذاری استفاده می‌کردند این بوده که از عهد باستان، سنگ مقدس بوده است. (ا.گ. گف‌وروف: ۱۶). Peter را اگر در زبان انگلیسی به یونانی کهن برگردانیم، معنی سنگ می‌دهد. در زبان تاجیکی از سنگ، سنگین، سنگمورد، سنگک، توش، توشبوی، توشیک استفاده شده است. در واژه نامه تاجیکی هم سنگ و هم توش به معنی سنگ آمده‌اند.

برای جنس مؤنث بجز موارد ذکر شده، واژه دیگر نیز که معنی ارزش و بها و رفعت را می‌رسانند وجود دارد: در ترکی، «آسین باش» به معنی «سربه زیر»، «بیشینی» به معنی «پنج هزار»، در کردی نیز واژه‌های: دولت، سلطنت، سلطان، هفتصد (منظور هفتصد لیره است) کاربرد دارد.

در زبان کردی علاوه بر اسبابی که ذکر کردیم و در سایر زبانهای دیگر نیز وجود دارد، عوامل دیگری به دید می‌آید. دلایل دیگری که در نامگذاری اشخاص در زبان کردی و برخی دیگر از زبانها وجود دارد موارد ذیل است:

۱. انتشار دین مبین اسلام یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر نامگذاری اشخاص در میان کردها و همهٔ مسلمانان جهان به شمار می‌آید. بیشتر نامهای مذکر در اصل عربی بوده و از طریق فرهنگ و معارف اسلامی وارد زبان کردی شده است. ورود این واژه‌ها به زبان کردی نه فقط برای نامگذاری بلکه عامل مهمی برای غنای بیشتر زبان کردی و زبان سایر ملت‌های مسلمان دیگر بوده است.

۲. نامگذاری بچه‌ها با نام پدر و یا مادر بچه، یا نام برادر و خواهر و یا نام دوستی مورد اعتماد خانواده، تا امروز در بسیاری از خانواده‌ها به کار رفته است. به نظر می‌رسد که این عادت پیشینهٔ بسیار کهنی داشته و وابسته به طرز فکری است که در آن نام با روح در پیوند بوده است. دلیلی که می‌توان ذکر کرد این است که بعضی از مردمان شمالی چون سیبری تاکنون هم بر این باورند که «نام» و «روح» یکی هستند. از این رو بچه‌هایشان را با نام اقوام متوفای نامگذاری می‌کنند. پدیدهٔ این نامگذاری اکنون نیز در میان بسیاری از مردم دنیا رواج دارد.

۳. گاهی اولین واج در نام اولین فرزند و یا آخرین واج باعث می‌شود که فرزندان دیگر با همان واج شروع و یا پایان یابد. مانند: مستان، آلان، چومان، شیلان، ژیلوان که با «ن» تمام شده و یا: کژال، کاوه، کامران، کالّی، با «کاف» شروع شده است.

۴. خانواده‌هایی که دختردار می‌شدند و صاحب فرزند ذکور نمی‌شدند معمولاً از نامهای «حمدیه»، «صبریه» و یا «شکریه» استفاده می‌کردند.

حمدیه یعنی خدای را حمد و ستایش می‌کنیم. صبریه یعنی شکیبایی می‌ورزیم و شکریه هم به معنی شکرگزاری از خدا است. اما به محض اینکه پسری به دنیا می‌آوردند او را با نام پیامبر اسلام نامگذاری می‌کردند و گاهی هم همراه نام پیامبر از واژهٔ چوپان نیز بهره می‌گرفتند تا از این طریق بگویند مواظب خواهرهایش خواهد بود.

۵. در زبان کردی بعضی از خوراکی‌ها به خاطر طعم و مزه خوب آنها و یا نام زیبایشان، برای نامگذاری انسان نیز به کار رفته است. مانند: نبات، نقل، شربت، شکراب (این اسامی غالباً برای جنس مؤنث به کار می‌رفته است).

۶. اگر زنی به آسانی وضع حمل نکرده باشد، گاهی فرزند خود را: «رزگار، نجات» و یا «گران» نامگذاری کرده است.

۷. چیزهایی که برای اولین بار درست شده و یا برای اولین بار دیده‌اند گاهی به عنوان نامی برای زنان به کار می‌رفته است. مانند: سوراخی (تنگ آب)، شوشه (شیشه)، قماش، چرا (چراغ)، چل چرا (چهل چراغ). پیداست دلیل این نامگذاری زیبایی این اشیاء بوده است.

مواردی که مطرح شد، به صورت کلی مجموعه عواملی بود که بر نامگذاری نامهای کردی و برخی زبانهای دیگر تأثیر می‌گذارد. در کنار این عوامل، همیشه در هر یک از زبانهای دنیا، متناسب با سبک زندگی روابط اجتماعی و میزان فرهنگ و حوادث سیاسی و آداب و رسوم گوناگون، در انتخاب نام افراد و پذیرفتن آن می‌توانند نقش داشته باشند.

نام اشخاص نیز همان طور که گفته شد متأثر از نام کلی است و یا از زبانی دیگر وارد می‌شود. پیداست که نامهای کلی، ویژگی‌های خاص آوایی خود را دارند و وقتی به عنوان نام اشخاص نیز انتخاب می‌شوند، همان ویژگی‌های آوایی را حفظ می‌کنند. نامهای به وام گرفته نیز ویژگی‌های آوایی زبان جدید پیدا می‌کنند. علاوه بر این موارد، چند ویژگی آوایی نام اشخاص در زبان کردی دیده می‌شود که می‌تواند در موارد ذیل طبقه بند شوند:

۱. بدون تردید، هر واژه‌ای که از زبانی وارد زبان دیگر می‌شود از نظر آوایی، ویژگی‌های زبان جدید را پیدا می‌کند و مُلک زبان جدید می‌شوند و همچون یکی از واژه‌هایی است که در زبان وارد شده وجود داشته است. از این رو ویژگی‌های آوایی زبان جدید به خود می‌گیرد. گاهی واژه مبنا به وام گرفته شده، چنان از نظر آوایی تغییر پیدا می‌کند که اگر همان واژه را به صاحبان اصلی زبان آبا و اجدادی آن پس دهند، برایشان قابل تشخیص نخواهد بود. برای مثال اسامی غربی ذیل که به همان شکل عربی نوشته می‌شوند، اما تلفظ دیگری در محاورات پیدا می‌کنند: محمد = حَمَّه، احمد = أَحَمَّه، محمود = خوله، اسماعیل = سمه، ابراهیم = بله، سعید = سَعَه، رشید = رَشَه، عبدالله = عَبَّه، مجید = مَجَّه، امین - مینه، قادر = قاله، صالح = ساله و ...

در هنگام تصغیر و یا تحبیب این اسامی از پسوند که استفاده می‌شود به ریخت کردی نامهای می‌چسبد مانند: سَعُول، رَشُول، عَبُول، مَجُول^۱.

۲. نامهایی که ویژه مؤنث است و در اصل عربی هستند، پس از تغییرات آوایی، نشانه مؤنث عربی یا برداشته می‌شود و یا باقی می‌ماند ماندگاری و یا از بین بردن این نشانه‌ها وابسته به میزان دانش و فرهنگ به کار گیرندگان آن نامها است. بعضی از این نامها در ذیل می‌آید: صبیحه= سَبِیع، صبری= سَبِری، عائشه= اَیْشی، آمنه= آمین، آمه، خدیجه= خَجْجی

۳. به صورت کلی، همانند بسیاری دیگر از نامهای اشخاص، برای جمع بستن از «ان» استفاده نمی‌کنیم. برای مثال نمی‌توانیم بگوییم نه سرینانی ثم پوله زیره‌کن. بلکه باید گفته شود: نه‌سرینه‌کانی ثم پوله زیره‌کن.

۴. در بخشهای گفتگو بجز نام، تعداد بسیاری صفت ساده و ساخته شده و ترکیب شده- به ویژه صفات مرکبی که معنای استعاری دارند- به عنوان نام اشخاص استفاده شده‌اند. مانند: آزاد، جوان، شیرین، نَخشین، ریزک، بختیار، هوشیار، دلپاک، روپاک، دل رام، روخوش، روجوان.

۳. نتیجه‌گیری

نتایجی که از این پژوهش می‌توانیم بگیریم در موارد ذیل می‌تواند خلاصه شود:

۱. تاریخ نام انسان در زبان کردی به سه مرحله می‌تواند تقسیم شود: پیش از اسلام، پس از اسلام تا جنگ جهانی اول، از جنگ یکم تا امروز. نام اشخاص در مرحله پیش از اسلام از نظر ریشه شناسی (ایتمولوژی) بسیار تاریک و مبهم است. البته می‌توان از نظر معنایی برخی از آنها را فهمید و ریشه یابی کرد.

۲. نام اشخاص در زبان کردی یا در اصل کردی هستند و یا از زبانهای دیگر به ویژه زبان عربی وارد شده است.

۳. اسم و صفت از مهمترین ابزار اصلی نام اشخاص در زبان کردی به شمار می‌آیند.

۴. مهمترین وظیفه نام انسان، جدا کردن آدمیان از همدیگر است.

۱. این کلمات از نام+ پسوند «ؤل» ساخته شده‌اند.

۵. در زبان کردی- به جز نامهای در اصل عربی که معنای دینی دارند- و برخی از زبانهای دیگر، نامهایی که برای مذکر به کار می‌روند، معنای دلاوری و قدرت و پهلوانی و شجاعت دارند؛ اما نامهایی که برای جنس مؤنث به کار می‌رود و در معنای: زیبایی، پاکی، لطافت و نازکی و آرایه‌ای دارند.

۶. در هر زبانی عواملی چون: فرهنگ و عادات و ویژه آن زبان در انتخاب نام نقش مهمی دارند. اما ممکن است که چند عامل در تعدادی زبان جمع شوند و برای آنها علت نامگذاری اشخاص شوند.

منابع و مأخذ

زبان کردی:

- عبدالرحمان، حاجی مارف (۱۹۷۹). ریزمانی بهشی یه‌کهم (ناو). بغداد.
- وه‌ه‌بی، توفیق (۱۹۲۹). ده‌ستووری زمانی کوردی. بغداد.
- سه‌عید سدقی کابان (۱۹۲۸). موخته‌سه‌ری سه‌رف و نه‌حوی کوردی. بغداد.
- محمد، معروف فتاح (۱۹۸۷). زمانه‌وانی، زانکۆی سه‌لا‌ه‌دین. نووری عه‌لی ئه‌مین (۱۹۶۰). ریزمانی کوردی. سلیمانی.

زبان عربی:

- ابراهیم الامرائی (۱۹۶۴). الاعالم العربیه. بغداد.
- تمام حسان (۱۹۷۴). منابع البحث فی اللغه. الدارالبیضاء.
- محمدحسن عبدالعزیز (۱۹۸۳). مدخل الی علم اللغه. قاهره.

زبان روسی:

- ا.گ. گفوروف (۱۹۷۱). ده‌باره‌ی زمانه‌رۆژه‌لاییه‌کان. مسکو.
- ا.س. اخمانوف (۱۹۶۶). فه‌ره‌نگی زاراوه‌ی زمانه‌وانی. مسکو.
- ر.آ. بودگوف (۱۹۵۸). سه‌ره‌تایک له‌زانست ده‌باره‌ی زمان. مسکو.
- و.و. وینوگروف (۱۹۷۲). زمانی پرووسی. مسکو.
- ب.ت. گولووین (۱۹۷۷). سه‌ره‌تایه‌ک زمانه‌وای، مسکو.

- با.ا. کالونتاروف (۱۹۵۵). فرههنگی تاجیکی - روسی. مسکو.
- ض.ا. کودخوف (۱۹۷۴). زمانه‌وانی گشتی. مسکو.
- و.ا. نیکونوف (۱۹۷۴). زمان و کۆمه‌ل. مسکو.
- یو.س. ماسلوف (۱۹۷۵). سهره‌تایه‌کی زمانه‌وانی. مسکو.
- یو.س. سیتیانوف (۱۹۷۵). بناغهی زمانه‌وانی گشتی. مسکو.
- یو.س. سیتیانوف، (۱۹۷۰). ناوی مرووف له‌پراپردوو و ئیستا و داهاتوودا. مسکو.

The proper name of a human being in the Kurdish language and several other languages

Farouk Omar Sediq

Professor of Linguistics Department, Faculty of Human Sciences,
Sulaimaniyah University, Sulaimaniyah, Iraq.

Abstract

Naming among humans, whether it is the name of objects or the name of children, is one of the most complex issues that has an interesting and surprising destiny in history. Looking at this issue among the culture and literature of nations, we see that various issues can be involved in naming, for example, the first human being is called "Adam" in religious teachings. Among the Kurds, naming also has the same fate in terms of etymology. Sometimes the culture that prevails over the Kurdish culture can influence this naming, and sometimes there are factors among the Kurds themselves that influence the naming. The results of this research, which was carried out in a descriptive-analytical method using library sources, indicate that the history of human names among the Kurds has three stages before Islam, after Islam until the First World War, and finally from the First War to has now In addition, in the Kurdish language and some other languages, the names that are used for males have the meaning of bravery, strength, bravery, and bravery, but the names that are used for female mean: beauty, purity, tenderness, and thinness. Have.

Keywords: name, human, Kurdish culture